

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – آلمان
۲۰۰۹/۰۶/۱۹

ساغرِ احمرِ ما نیست از آن خمرِ نبید
که دهد مستی ز هر پیکرِ عریان و سپید
این رَحیقِست ، دهد مستی به روح و به روان
شده مختوم به مودت و عشق و به امید

ساغرِ کرزی

حاجی گفت به حاجی ، که بیا می نوشیم
خُم خُم و مَن مَن و هم ، تن تن و ری ری نوشیم
و عده ما و تو این بود ، که در شهر وفا
مست و مدهوش بگردیم و پیای نوشیم
و عده کهنه فراموش شد و ، و عده نو
جان من باز ببندیم و ، بگو کی نوشیم
دم غنیمت بُود ای دوست ، بیا توبه شکن
می پاکیزه ای از ساغرِ (کرزی) نوشیم
او که با (بوش) وفا کرد و جفا با (با با)
اتنی کرده و با چنگ و دف و نی نوشیم
(سیف) (گیلان) به (برهان) (مجدد) گفتا !
(گل بی دین) ، بیا ، با سر و بالی نوشیم

(سیرت) از صورتِ پُرنگ به نیرنگ آمد
گفت ! ننگست ، اگر خونِ دلِ گئی نوشیم
زانکه از جامِ سیاست شده مشروب حرام
کوزهٔ دین چه شد؟ تا ز لبِ وی نوشیم
عاقبت هر دو شده مست ، به « نعمت » گفتند
قافیه بشکن و با چک چک و هی هی نوشیم